

صاحب امتیاز  
ومدیر مسئول  
دکتر اسماعیل  
اردلان.

بهیج حزب  
دسته یا جمیعتی  
بستگی ندارد

# کوہستان

تکشماره ۴ ریال

۱۳۲۴ شنبه ۳۱ اردیبهشت

سال اول - شماره ۱۳۲۴

## یک هفته دیگر هم گذشت

از منتهی

پالم آفای نامر آزادیور

### خط کردی

ذیلیک امروز در آملیه تسامه کردستان به این صراحت لافاتی در لغت و اینجه مداول است، زیباییست که بینه بزرگترین معتقدن زیانشاسی بسی کوشان بوده و از روزگار نهادی دارای ادبیاتی بسیار عالی، طنز و فیض و ایجاد میباشد.

از آنچه بکار رفته در فصمان و منلالات متلو و منظمه بکار رفته این غون در فلام ارجمند کوهستان چاپ میشود میخواهیم بایه و ارزش و این که در این شان دعیم میشود بسته که مدتی به خواهش ملتفت و ملائکت نی شود اگر چه است

عنوان غون در فلام ارجمند کوهستان چاپ میشود میخواهیم بایه و ارزش و این که در این شان دعیم میشود بسته که مدتی به خواهش ملتفت و ملائکت نی شود اگر چه است

زیرا خواهش و خواهش درست زبان کردی به مطلع غریب و غاری بسی عشق و برای اینچه معلومات و افراد در زمینه ادبیات شیرین کوچی نهاده غیرمیگان و متنی از محالات است.

خط مستعمل کردی امروز در نوع است: تپ کردی آشناهیم و تپ کردی عربی، که هر دو قسم در نوع خود آشناهیم حد تکاملی و

ترنی خط شماره ۴۰۰۰

تپ کردی آشناهیم و تپ کردی آشناهیم

چند سال است، هر شصت میتوانید بدو انتقال خاطر عبارات

معمولی را نوشته بافران را کنده

این خط مورد استعمال کردها داشتاد جاهایم شوروی،

لیزان، سوریه تر ایه و قسطنی از عزان است و مجلات و روزنامه های

آن الاستشار و معرفی مثل «روزنامه ایلیز»، «هاوار

«Rouzeh»، «روزانه Haxor»، «روزانه NA»، «روزنی Rouzeh»

و همچو پدین تپ توشه میشوند. نویه این خط اینست:

pokit eor g ir dit! we birjang, y kall'

Eikè le bi n m tiktakwani ol!

( پیکات چه و گو دل، بروزانگو کان )

( همچو له بزیم تک تک نویی آل )

اما تپ کردی مدولی که همان خط کردی عربی است و امروز

در میان کردهای اران و براق رایج است، این بینه امطواری، گفته

شده، سیار آسان و فراگرفتی برای اشخاص مشری سی سهلتر

از شفوط عربی یا نارسی است و بهور خلاصه، میتواند که این

نوع اندیز سهم خود بینایت «مدون» بوده؛ آنچه ابداع سیار

میگذشت که من در فرانش میدهد.

بط اینکه اکثر شوانه گان کوهستان بمعلو غریب و

فارسی آشنا بوده و چون میتواند تپ اینجا را بادگیرند ما این

نوع را در این ترجیح داده و با این دلیل توضیح خواهند گذاشت

آشنا میازم:

بنده در صفحه ۶

هر کسی هم از هر جا فریاد نماید و شکایت

پسندیده میباشد مامورین ۱۱ مالح

جزی تر شده ای ایندی مردم از زورهای بکردد

پدین تر تیپ بس و دامیدی کامل حمام -

فرسا و خود خواری آن دیگر اهابت و

علانهای بسته بدهانها در خود خواهند

داشت هر کسی میخواهد بر سر کار چشم

هر چه میباشد بکار خواهد بسته باشد قابه

ای بحال مردم ندارد اگر خوبیت دوام

ناراد و شیجه ای از وجود چند و زدن عاید

ملت و ملائکت نی شود اگر چه است

تیپه این اوضاع این خواهند شد که

که مردم دولت را خیار خود دانند و

اگر احباب احترمی برای او قابل و دندو

دستور اش را اینجا بکرددند که روز

بر این دنیا نهاده شدند چند روز

هم طول دارد تا توضیحات ابرادات و یا

توضیحات شدن شود :

تا زده بس از این جریانات اگر رای

اعتدادی هم بدنه در دادن آن مشکل کند

دهمه ای روی یا که اند و سوانح شده

را در ملک خلیفه کند چکو، خواهند

تو است قانون اجرای این دن و در طول شده

داشت نامهند اعتماد مردم بدرلت و

را این امور جان بود.

این رویه ای که نداند کان مجلس

پیشگرفته اند و متعال انسان ترجه نمی

کند و با در سر داشتند فکر خود خواهی

مانع از این هسته که دور هر جمع شده

فکری حل مردم و ملکت بکنم و فد

و فد این هسته که بکنم و فد

و زیر یا از جاذب نمایند نار نگذانند

بیل میگفت میگفت است زیرا خود شی

رساند.

عدمی روی کسر من و عدم توانایی

ابراج کارهای ذی اندیشله ملکت متعال

کند و میگویند باید شفعتی مدد و بیش

گاردار را بر سر کار آورده

این در دست هم همچکدام بینه

دیگری تقویت نمیشاند هیل از

هزوح کارکاینه دید آغاز شده و تامه می

که این دولت هم سوط کند ادای خواهد

پافت و فتنه این دولت هم بر کار شدند

بر سر ریس دولت و کایه آنها من

ها تکرار میشند

در طول اینست مردم تهران بخواهند

مذاکرات مجلس سر بر می دهد و لایحه

لشان هم فرمت خواهند داشتند برای این

که بکار نمایند اندیشند و یا مردم آزار بدند

با بیل بکیرند و یا مردم آزار بدند



علم آفای هادی شیخ لا-لاسی

## آگهی حصر و راثت

پتاریخ ۱۲ دی ۱۳۲۲ - پانو بیول «انتداد تبریزی» به  
شناسته شاره ۸۳۰۸ مطین: «اما نا» شماره ۱۵۳۷ مورخ -  
۱۳۲۳ دی باستاند که برگه کوهاهنامه و روشن شناسته شناسته  
کوهاهنامه صوره از درود بین توضیح کمر و مدیر «محمدی» در  
تاریخ ۱۲ دی ۱۳۲۰ در تهران جایی، هشتگی خودوفات یافته و  
با اضیه روجه دلایل و باوان عذر داده «محمدی» شناسته شاره  
۴۶۳۲ و برقی «محمدی» شناسته شاره ۵۵۵ وزینت محمدی  
شناسته شاره ۹۵ دختران متوفی و وارث منحصر می باشد  
یعنی از شنیدن کوهاهنامه کوهاهنامه سه نوبت متوازن ماهی یکبار  
در وزن از رسمی کشور شاهنشاهی و یکی از وزنه های مرکز  
آگهی میشود با گذشتند مدت سه ماه از تاریخ نش اول آگهی  
و بودن مفترض برحسب تناضا اندام شواهد ندویز اگر کسی وصیت  
نامه از متوفی دارد در مدت هزبود ابراز و الا هر وصیت -  
نامه غیر از رسی و سری ابراز شود از درجه اعبار ساقط  
شواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران امامی اهری

از متندج

## (گله من از کوهستان)

آنای دکتر اودلان مدیر مختار  
شناکه ادعا دید منظو، قال فقط و فقط  
حظ حق، حق مقادم خواهد زد ای زندگی  
و خرابکار است جرا و چکوی خود را جاده  
فر و فقیر، بزرگ و کوچک، باشاد و  
بیشاد، شهری و حتی دهانی انتشار  
دو زمانه کوهستان دا بانکاه تو نهاده ای  
دوی و بانشاد آیک، دوزده کومن  
حاسی بن ملت شنیده و پشتان حق و  
رجلات و بدل هر ظلم و بیدار گوی است  
پیک، پیک تبریک میکند،  
چه تکرار او، شادیش که از اصم  
لب و درهای سادگی بعنای مغاره  
ند و چه تلخانی که بین مردم برای قول  
آخر اک این روزنامه بدل آمد و اما  
صلعی و دو شنگار از دراین باره مجاہدت  
ها گردیده و انسان ساکن این سازان  
هم ذکوهستان صیبا استقبال بوده  
استقبال بودند برای آنکه بیماران و  
بامیده داروی شناختی میدارند خود را  
از بسیاری مهالک و خطرات نجات دهد  
آی بدل ای مبارنه وزالومای احمد-ع  
مارنمین قظره های خون این بچه رگان  
مکیده و بزم زخم باهیات پیش می شنقول  
علیین آن هستند،  
خلاصه همه گردستان کوهستان را  
پیگانه پیشیان و ماء امید قلب داعدار  
شود، باید ایستاد و انتظار داشته که برسیله  
این بحر بیده پیوانت داشت هشته آصل  
هویش را بسامل نجات برسانه ،  
الرس و هزاره اسوس که گاهه این  
شمارا کس در آلوش نکشید و آنها امید  
و آزاده پیام و نداشت میل کشت.  
آنای دکتر اودلان ای جان شفیع  
جنایان و خانواده بزرگ ایلان ارادت  
قلیل ددم و روی هیب اصل بسیله  
و انتظار نداشتم که چنانی در این اول  
که بجا مه کرد خوب صرفی شوید، آهای  
میم، با لهابت مارت هیض میکنم در  
کردستان جوانانی هستند که قوه درک  
مسوسات را خوب دارند و تها بتوشن  
گلکات مایسب و عاه خانگان ولاب و  
گرامهار شرعاً نهاده بیکند، اینان  
که للا اگهند که شکرت و منتشر لاخن  
طلایات فلکایس آمیز و پیشنهاد اصلاح  
عیل ج. ای است ولی دریا ره ریس دستی  
میلایرا دربریده و لذانه مهنه بیکویه و  
شکایات مریوط بی وایلد کمی ماد ج  
لی کهی؟ ملوم بست ای هامست که نهان  
مردم مخدوش و فکارشان متوجه راهیان  
پاریکه و بزیچ و خس بیشود.  
اینه استههای بی دای ای ایستاد  
ارتش برای تو من فرماده شکر و اینه،  
ند کرهای سرخ و متنان و قوت مورد دسته  
بیمه در صفحه ۶

## آگهی حصر و راثت

پتاریخ ۱۲ دی ۱۳۲۲ - آفای فواد (فر Hatch امری)  
شناسته شاره ۲۶۵۸ میانشاد بکرگه کوهاهنامه و روشن شناسته  
شناسته شاره ۲۲۳ داده باشند «رسوم حاصل  
هیه الرسم (فر Hatch امری) دارند» شناسته شاره ۲۶۵۸ در  
تاریخ چهل ماه دی ۱۳۲۳ در تهران جایگاه هشتگی خودوفات یافته  
و مناضی برسو با توان شمس الملوک تر-نک مری شناسته شاره  
۱۶۵۸ و غیره اللوک تر-نک مری شناسته شاره ۵۸۱ و عزت الملوک  
فر Hatch ای شناسته شاره ۲۶۵۸ دفتران و بان ایا (فر Hatch  
امری) شناسته شاره ۲۶۵۷ همچو دام متومنی و وراث منحصر  
میباشد میان از شنیدن گر هی کوهاهنامه سه نوبت متوازن ماهی  
و بیار قدر دوزنامه رسی کشور شاهنشاهی و یکی از دوزنامه های  
مرکز آنها میشود با گذشتند مدت سه ماه از تاریخ نش اول آگهی  
و بودن مفترض برحسب تناضا اندام شواهد ندویز اگر کسی وصیت  
نامه از متوفی دارد در طرف مدت هزبود ابراز و الا هر وصیت -  
نامه غیر از رسی و سری ابراز شود از درجه اعبار ساقط  
شواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران امامی اهری

## آگهی حصر و راثت

پتاریخ ۱۲ دی ۱۳۲۲ آفای امیر حسن (مولوی) شناسته  
شاره ۱۹۹۱ باشند بکرگه «واهنه» و روشن شناسته  
داده شناسته شاره ۲۲۳ داده باشند «رسیه» مرحومه بانو -  
فهرات از مواردی دارند شناسته شاره ۱۹۹۲ در تاریخ ۱۸ آذر  
ماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه هشتگی خودوفات یافته و مناضی برس  
و آفای معنی مولوی شهرو بانو ابران «کلتری» دفتر  
متوفی و وراث منحصر میباشد. پس از شنیدن کوهاهنامه  
سه نوبت متوازن ماهی بکار در دوزنامه رسی اشور شاهنشاهی  
و یکی از دوزنامه های مرکز آگهی میشود با گذشتند مدت سه ماه  
از تاریخ نش اول آگهی و بودن مفترض برحسب تناضا اندام  
شواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در طرف مدت  
هزبود ابراز والا هر وصیت نامه غیر از رسی و سری ابراز شد از  
درجه ای شناسته ساقط شواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران امامی اهری

## بکم و نه دیگر هم گذشت

## افسران بخوانند

کشور شاهزاده‌ای ایران تا پیش از گزند: ۱۹۹۰: خورشیدی  
دای ارتش و نیروی منطقی که از استان و حیثیت می‌آن داع  
کند بوده سلطنت تغیر یا بطور ملوكی. وا: اداره میند روای  
دستیر و خاکه از ایلات و متفقین شهرستانها غیر مناخه‌مای قلمرو: ۱۹۸۰  
را ای سود بودند.

مواران مسلح می‌باشند و این توانی دارند از هزار نفر تا ۱۰۰ هزار نفر بازدارند. نیز کرد مسخرین و سیاستمندان اروپایی سلام ارتش ایران می‌توانند لعله بالآخره به مت افتخار داشته باشند و انتقام تهدید کرده و پیمانهای ان معتبر و دوراندش و سایر اتفاقات جزو شاهی فرقه و وزیریک زده کشور اند کنی بجز کت آنده بساوی عرض فواز و گرفتن هالیل و برقراری نظام اموطه و اراده امار سازمان و پایه ارتش وین را بنیان نهاده و آموزنده اند هی بدن حضور برو و ده آورده دن ترا فراز و صربازان دارو و میهن برست و معاشر شاس و حمور را برای دنیا زعم از آنی و ایشان میهمان نزیرت می‌باشد.

دراویل کارکارا از عوام مادلاه هنرمند استیبل و ده  
بزرگترین افتخار بد و مادر این بود که فرزند دلیلشان در دوران  
ظام و پادشاهی اسرائیل در سه شجاعت مرد: که میتوان: حق افراست  
؟ قدر کان و بیست و هر آنکه در عرب دلیلشان و بنواهه-اله

مفارج و بودجه وزارت جنگک برای بیان زیر تهابه های  
دیگر مینهود - دلیل و دیپرستان آنام و داشتگیه افسری و  
داشتن گاهه جنگ جایگاه آمرزش برپوش اسرائی و دندان که بدایز  
بايان تمهیلات بوآدها عزم گشت - سرباز از را یافتوں برد و تحمل  
مشکلات عادت دعنه -

مریازخانهای پیمار عالی و باشگاه‌های ماشکوه و تسلیحات و  
همات دسته‌های باده و سوار و مندس و تریخانه و هوانی و ذرازی و  
غیره غیره با آنترین میتم جنگی برای ارتضی حوان ایران از املا  
بستان و خورج کارزار مزبان فرهاد و خوزه آمده و نه

قرده سکش و رنجبر انتظار داشته از اتنی زده و مهـ شان: و آن دست  
جهـ بـنـدـ کـارـانـ وـاهـیـانـ بـلـدـنـاـسـکـارـ رـاـکـدـرـ گـوـشـهـایـ کـشـورـ باـخـلـاتـ  
پـیـرـمـ نـهـ وـبـرـحـمـانـهـ اـذـتـ وـ آـذـرـ هـمـ بـرـهـنـ خـودـرـ مـیـکـنـدـ کـوـهـ  
سـانـهـ وـاـزـهـ حـیـتـ خـبـدـدـوـدـهـ درـخـشـانـ وـ باـشـوـكـ وـ باـسـانـ اـشـانـدـ  
آـرـدـیـ بـایـنـ آـذـرـوـهـ هـدـتـ بـیـتـ سـلـ کـامـ مـلـیـارـدـهاـ عـرـفـ تـشـکـلاتـ وـ  
قـعـدـتـ اـرـتـشـ شـدـ وـبـارـاتـ آـشـبـنـ اـرـتـشـ رـوـجـ رـوـشـهـ استـ اـرـتـشـ  
فـوـقـهـهـ اـرـتـشـهـ چـیـزـهـ مـدـمـ استـ اـثـرـاـجـ سـرـاسـتـ اـقـرـ  
زـیـانـ وـ جـاهـتـ مـلـتـ وـ کـشـورـ استـ اـقـرـهـانـدـ وـمـهـنـهـ استـ شـمارـ  
هـسـکـانـ گـنـهـ وـازـهـ لـبـ وـ مـلـوـسـ بـیـتـ نـمـ اـفـرـوـاـرـتـشـ وـرـتـیـانـ خـاسـ  
وـعـامـ شـمـهـ بـودـ .

-قاویتیکه بسته اور حییی نو دیا شد - اداره های تکریم و  
تمامی بلکه هر اوان درجه بالاتر و پیشراست -

دوزه‌ی فراموش شدی شهر بور ۱۳۴۰ ارتش شاهنشاهی  
تایبود کرد که هنوز نوانس زبانی دارد له مهتراز هه ام روسی  
است ارتش مانند انسانی است که باید ملاوه بر محسان طاهری و بهمنی  
که ایلات منزدی و مطرارت و حانی دارا بوده وحدت و یگانگی هنچ  
علاوه محبت و محبوبیت فیاضین فرماده‌هان عالی و جزو والسر و سریال  
باشد حکمرانی ایمان و یکریانی و سه بانی و دوستی جای یکریان  
انطباط و فراموش شدکه در کردد آگر چنین شد ارتش ما خواهد  
قواست عظمتی شراغت ایران را حفظ کند.

اخبار سمندری

ذرتیبه خام سلاح اختفانات ذیل از  
تاریخ ۲۵ فوریه‌یام در نواحی مختلطه  
کردستان ری داده است.

۱ - مخدوم مجيد آدامالك باشبلاغ  
ورشيد نام احاطه‌هاش  
۲ - کنه شدن يك نفر در صابرين  
تلهم

### ۲- کنترل هدنه و قیمه نام ساکن

۴- قتل، نفرانه انداد و مجروح شدن  
۵- کنفر دیگر در ملاقات آباده  
۶- غارت فربه فرهنجه و نامبله

روز ۲۶ ار ۲۴ بنا بدھوئی <sup>سته</sup>  
شده بود در پیرپتمن هدایت می‌باشد  
والبای بدل آمد آمد آمد کریم آزاد بود  
بدور فتح‌الله نای و خطاب ای بنی بر اهابت  
و خوش قیامت نمودند.

برای این غلط یعنی رانده ماذین های لشکر ستران ۳ وظایه رحیم شرقی لیلے ۱۶ و ۲۴ زیر انواعیل و فه قوت نود.

\*\*\*  
شب ۱۹ و روز ۲۰ و ۲۱ میانه است  
خشمچه از پیش راهنمای در شهر بدل

\*\*\*  
از وضع شرکت دخانیات اطهار عده ۲  
رضایت می‌توسد.  
برق-ستوح هوزه کار نیوکنکه.

های شخصی متمدن است مردم را بازبینیه نمود  
دانه اند و تأثیرگذار دست آن کوتاه  
تزویج امید به بود و او اینها را باید داشت.

نگارنده افسری: اینستا-م و مالها با او دوست و هشتاد بوده باشکار و مسلک  
وروش زندگی داشت و سربازی او کاملاً مبوب و آنکه گان اسر شرافت نه قرب  
بدوازده میل ماست از آذانتکده افسری فارغ الحصول شده از همانلی مشکل  
کردستان و چهار باغتر غافل متفاوت - با علاقه سرشاری بخدمت آبرو و مکمل خوش **«خط**  
و **کیانی** هنوزات و ناموس همیه ایان و تعلیم و برقراری استقلال آپ و خدک نیاگان»  
مشغول شدید - این افسری وان جون خدمت بود میان و جانبازی در راه آرا از  
وضایا اولیه هر ایرانی ملی المدوس افسران میدان در مدت قلیل و کوتاه شد منش  
حتی التوانه کوشیده وجود نشود راضی تکماد اش و مردم را از عملیات و خدمات  
درخشش خرست سازد. **نکت** در این است با همان خفیده و پیش اولیه دنیا میاند  
دانه بدن این که نامعلومات روزگار تبریز در اراده باشد - یا این که بعض خود  
مشاهده می‌باشد روش و مردم اوردیان توده و ارتق خردباری نهاده و نیات را  
بر شدمت کدب را برداست کوئی - پدادگری را درداد گری بر تری میدهنم اعومن تابع  
متضیات زمان و مکان نگشته پیوسته این جمله را عیا مینکند - من برای هسته هیا و  
حاشم خود و فرزندان ارجمند را برای مصالح عالی کنور نمایند بوده جان شیرین  
را بخواهد در دریانه فربالی شوم و نیز سعادتی از ان یور برای خود نهاده ام  
لش لایارده از دروغ و نلایب و ستم و نار و اپاک و میرا و پیشتر ساکن نهضه، آمور و دشی بشه  
اخلاق، تقدور فشار عینده اش می‌باشد - در شهر بوراه از اموش نشانی آبمه که لازمه بیه  
مافس آزموده بیرون برست است خداکاری نمایند هیلاتشان دادند در قاموس سربازی  
بنیه در مده ۶

## تلگر ای از سفر

۶۳۰

پلم آنای محمد مردوح (آیت‌الله گردستانی)

ستاد اوئش، روتوشت دیس مان شورای ملی (روتوشت اطلاعات) و نوشت کیهان روتوشت کوهستان تاکرات اهالی سفر خطاب باقی داشت از اعلان در شماره ۹ کوهستان اینجا بسی اطلاع نمود از تاکرات آنهم رایخ به داد و است تعظیمات خود دیگران شام امدادی که نمایند شود تحلیب در سال ششم امداد نیز سفر بوده یکنفر کاپ باری به ریل اول اداری بود.

شرط از غافی

\*\*\*

در شماره ۹ نامه کوهستان تاکر خواندنگان به اطلاع داشت باشند تاکر ای از سفر باعثی پیدا شده بود درج تردید در این تاکراف بنا انتراک گردد بود که برا داده هر انتراک مادر شده و چنان در این شده مادر سرمهذک بایند و سروان خاکسار حمله می‌نمایم حال ان تاکراف که غواص درج شده اضافه از پیک از امساکت گرفت ای از سفر بکر خواندنگان به اطلاع داشت. مجدد دولت ماده اتفاق

در شماره ۹ نامه است و درین اموری دخالت نداشته و این تاکرات گفته می‌شوند سناواریش تاکراف را شروع نموده مفعماً مطلع شدند و ده این تاکراف جلس توجه می‌نمود از این راه ایه بین می‌بردند دیگر متوجه این قسم امور دقت پیشتری بدان از آنها نیزه سناواریش تاکراف داد کتری بست قضای اینها گفته می‌شوند این قسم امور بین لشکری دست داشته اند والان است بوده که در اینکار همودون لشکری دست داشته اند والان است نداشت در خصوص میل امضا سناواریش را متعاط فرار دارد. همین حال خواندنگان مطلع میدانند ماهم میدانند سناواریش هم میدانند تهیه این قسم که از چه فرار است و مانتظار یاسی ه در این مورد از سناواریش تاکراف فقط خواستیم تکر دفعه مردم حاضر نیستند بیش از این زیر پایز خلمن و ناروا بر ورن هال لازم می‌شوند بینا به سلطان مصالح سلطنه اشور این آن کر را بدھم.

در شیراز - رضایه سفر - میانه آن -  
الشوف - آنده سلام - عوی - آن - بیهار اگر کشانی  
عکل - علیشید - گی - این عبارتی نامه کوهستان باشند میتوانند  
تاشتی خود را - آدرس نامه کوهستان ارسال  
دارند.

۲۱ فروردین - علیات سیاسی که هنر برداشتن تاکلات ایشانی باشد از آنها می‌کوریست. در صوفیه اگر اراد قسمت آزارات از سی و هشت قرن بیش از میلاد ۲۷۰۰ سال مطهی علیات سیاسی بوده اند و با مان شور و ایله و عدیم زد خوردند. هموم میزدود که بیش از آن تاریخ گروه ماد پاکشز نسبت بست با این بیش خاور زمین مانند اند و با اگر آنها دارای ساخته بوده اند و با این دولت هنوز از خود پیشنهادی و داده اند و با عبور خونک الطاویانی سمرق و جدا شده اند که اگر گردد آنها اند و این کسان اخیر قرب باران است اول مرتبه در قرن ۲۱ فروردین ماد پیشدا مشود بعده در قرن ۱۳ فروردین میزدید که در آن رایخ گروه ماد در مدارک آن دوی حکومت ماد داشته و آشور پایان نهاده است سپس در قرن نهم فرموده هنر جا ایم ماد در مدارک آن دوی فریه هصر اند همان اشخاص کی بپاد کر دروده است واختلاف در آن بی مدرک و مورد است هر دولت هم اورا موسس دولت کیان می‌کوید.

هباطور که گفتیم قابل ماد بیارس در این ایام بحال تفرقه و ملوک امیرایی بوده اند هر یک درستی توطن داشته اند و هر قیله در تریتی ایشانی که ایشانی شد ایشانی که ایشانی آنها در شاره آنی ذکر مشود

## کرد و گردستان

\* \*

هر گر حکومت ماد کوچک ازویه بوده بین رضایه کوئی که محل خپور فردشت و خنور گرد است باقی طرابی ماد وولاات گنور (ماد) هم باجگرا دولت آشور بوده

دانه منی فستی از بارس و شام کشور عیان بوده است. مورخند در تشكیل دولت می‌اختلاف و گلیه اگر از ایسوس و آریا می‌شوند ماد و آوارات نیز دیگر کو اسار بین کوا کشانار دکر کر مانند بیضی کو اسار بین کوا کشانار دکر بوده اند. پس توس را باین وضیت نیتوان مجده دولت ماد داشت.

اما آنچه در تجهیزات واکنشات بدلست آمده و مایل قول است ایسنه دولت ماد در قرن آنچه ایسنه و آریا می‌شوند از ایسنه و گرس بوده در میلاد ۷۱۵ میان از میلاد با ای ایسون عصمه ایسنه آشیانه چون کیمده و مفاوض شده و شاعر ایسنه تبیه شده است بیس از تیمید دیگر آنچه تیمید اند بی از و مکور است. پس اوراهم نیتوان مجده دولت ماد داشت. میانه کوا کارو کیمید که بین ای این دو نظر باید مجده دولت ماد بوده است. این دو نظر باشند تا تو بولامار با او هم داشتند.

فاما کوا کارو با ایکمه میمه میست - ای و بولامار حکمران باشند خانه دولت آشور میانه نیتوان ای ایشان دولت ماد را تشكیل دولت ماد پایانیه داشته و دیگر داشتم می‌شوند ای و بولامار و شاعر ای ایشان داشتم و شاعر ای ایشان داشتم. پس در قرن ۲۱ قبل از میلاد تأسیس شده باشد که در قرن ۲۱ قبل از میلاد تأسیس شده باشد و ای ایشان داشتم و شاعر ای ایشان داشتم. همچنین است

منشی موسس آن چه کس بوده و تاریخ تأسیس آن چه هنگامی بوده است هنر زیر ما ووشن بیست یا هم اگر به دفت تاریخ سارکون دوم داشت می‌شوند بعده و داشتند پیاو و میزده است بی اوهه موجود دولت ماد داشتند. ته ایمانه کی تاریخ که در میان روایات مختلفه ای کوره میزدید و ایت مجده و دن او بلا معارض است. لذا شاه میگیریم که مجده دولت ماد همانطور که تواریخ کرد و بولامار و فریه هصر اند همان اشخاص کی بپاد کر دروده است واختلاف در آن بی مدرک و مورد است هر دولت هم اورا موسس دولت کیان می‌کوید.

پس میتوان گفت ای مادها صدمت از میلاد سارکون هم هستند بیش مقدمت از قرن ۲۸ قبل از میلاد در مادستان داشت ای حکومت بودند. پس ای ایشان از اشخاص مذکور کدام دلیل شود که دولت مادرا تشكیل داده است باید اوراد مجده دولت ماد - خواهد

موزخن رایخ بیش تبدید دولت ماد خواهد بوده تا تأسیس آن که ها باید باید میزدید دولت ماد که ایشان ایشان مذکور بوده است. ای ایکمیم که توس با تو سه که بولامان دیوب کیمکوئند زمان دنکلاني بیش باشند آشور (قبل از میلاد ۱۲۷۸) در لخ سکرمان قسمی از طرابی ماد

خوبی کر دی

نیزه از مقد

- ۱- دره ورود و هر چاکه مدای «تنه زبر» بیابد مرغ از هدیگر منک نموده و این مذا موسیه حروف (ه) و (و) شناخته شدند

۲- مدای پیش با و او نزد میشود مثل (کورد)، (گول) ...

۳- مدای زبر «کمره» یا (ی) نوشته میشود مانند (میل) (کیز)، (بین) و ...

۴- لام به (کردی) (و...) زبر با کذاشنه نامه دوی ل. (ف...) از دل... مساوی (و - و) متشعّب ساینده مثل: معروف، گزا، کل، کوچار و ...

۵- مدای (او - او) زبر کردی با توشه «وو» نشان میدهد مثل: بوجال... ووجکله و ...

چون از تقدیل اجنب میشود شد که ان انکات اکفا و ده نشاوتهای دیگر را نیز که وجود وسیله کمی اهمیت است من مطالعه خود نوازند گن موجه و آنرا شواهد نمایند ...

## ۱۰۷ افران بخواهد

مرزو و هر اس و بیم و فرار بافت نبیود و با اراده آهتن و عشق بزادگان  
رد دخوار و مانع را به سهولت مینتوان رداشت - در این شرکتی که لشکر  
گردستان تارو مانع شده سر بازان و افسران از ترس مرک باشی بیشاده  
را میں میلی - و هبا و دعا میکری بینند این افسر لذیور که بر مانده  
گردان سوم هنگ ۲۲ پیاده را داشته تما نبود افسران زیر دست داد  
کلیه سربازان گردان و تجهیزات کامل آنرا مجمع و سالم بر کر لشکر  
مارزد لکه دهدانه - لفظ نمای و مسلک که ساران از ترس و خوبی  
بان در صحراء و بیمه بودند با چدیت و شهامت زیاد جمع آوردی گردید و  
لشکر تحولی داد همین عدها کاملاً هی غمید و تهور آیند دیگر شر  
نه و دش منویه ۲۲ دن بنیاده - عتمدانه بر للاف استهانه بر اتفاق  
قدیم و تشویق و ترمیح درجه و اخذ نشان و مدل سخت مورد نی میری  
از راه مدنی ایام - شتر از ارقة بدروی - و درونم بر او و واداشته  
که تیرپاش جرملات خاصه اسود دیگری ندارد - به میت جمع آوری  
اصله و نعمت پارش سودان و دادهایشان وقت را غبیت نموده در  
در همان و قم اورا بد ۵ کاه جایز کرد و نهان گشیل داشته.

مشتی در پایه هشت سرگردان بود بهد ناداره دادرسی آتش  
منشائلو و پس از چندی سار دلیل از ازدیده بیشتر بخواست  
به هواز تبر مهار نمود نش دادند - پادشاه نج نودک سرگردان و فات  
حرون و عذر و تقدیسی آپاگان امرت روار نی همراهی و چنان کارست  
آیات اراده ارش پایه توجه حال زار هست غار عالمه داشته و بدون دلیل  
و برها و گذمه و خطأ و وجہ بیکث است افسران تعمیل کرده روش که  
دانیزشان و منانز میازد - من میتوانم درداد گام هدایت نزد و جدن  
و بیزان ثابت کنم آین انس بجز خدمت سیپون، انهاهم، طبله بطور  
درستی و راستی و دشی بازنش هیچ کوه مدحیت دیگر بردا ندارد لای  
شایسته بست دوح و حجم آفسران و خلیه شناس و کاردان را الغردد و  
پژوهده دارد - در ارش ایران هر موقع اصلاحات اساسی علی  
گردید آن که ایرانیان بروانند بود و بدهند دارای عظمت و  
اقنعت درین نواده شد - از ما همان خاور ره یعنی کینه اوزی  
و ضرر افسران که بی جهت مورد خشم و نسبت قرار گرفته اند خوبست  
به از هر دو نی آنان کوش داده - زندگی کنن از آور مادی خال  
آنها را از زردیست نکر سه نامعلوم گردد آنی همراهها و سه ها  
سر انجام بی نداشته بقایتیست و مردیست کنور و ارتش میر نده -  
ای کاکش سران ارش و بیزدگان منیک نماید ایسته و طبله آهبا  
جیست و برای چه بنام سپهده و سراشکر و مرتب نایمه شده اند - ای  
کاش اولیه عملک و معهوما سران ارش چند دقیقه وقت  
گرا آهیای تو دشان و اصرف نوده و جدن و خدا را ناطر داشت -  
می دیدند آیا جود و ظمروشم و شکجه و اسراری مخفیست از اینکه  
بهره این است را نی وجود دارد، در این تی هایت بروند و می شادند  
و تر میز آموزش و تعلیم افسران و هکاری مینهای آشیان را

از شعر

آن بیرون نهاده بود که خبر مسناوه شده برای ما  
میرسیند تا در مرکز تحقیق اسلامی شاید از  
این اباء پتوانیم شریجه‌ای بر سرمه

میتواند اگر متوجه بدلاب مدار کی باشد  
هلا راه برای همکاری دوچیست و عورت نموده و  
نتیجه هم قرار دیده باشند اگر صراحتاً مدار را توانند  
باشد خلاصه از آن چنین مشود است که  
تفقیب ولس و دارالی اگر شکایتی نداشت که  
منکری به لابی و قرایبی باشد بنشاند هر کسی  
بخواهد میکن است شویسه دوچی خواهد داشد  
و اگر هم مدار کی آن تو اند او پایه ای کنم و دیگر  
دانشیز لاید بفرستید آنچه جدید خواهد  
دید

اما اینکه، ۱. بادارات، ۲. آنی سندج  
گموده روند و خایت مردم از احاطه باشد.  
و ظاهراً تندور هستند، هفتم، هشتم، هشتمی و ششم  
لذتی و دری این است که ما مقدمه به یک  
پله سالمی داریم و ناید پیش کنید اشکال را  
دفع کرد آنکه باهدهن دیگر بریدار است  
عنی است معروف میگویند پایان دست

رائع و غضى نکبات فصل کاری  
میشود قابه جنایت مطلع باقیه کار آن  
ذکارت که هظر شا فصل رسیده چندین  
برابر آن بقدر و زمانه و صل شده و پس  
از تلاسم گردید، من در اینکه شکایت میان  
لویسته از میان از دو یا سه صورت در آمده  
است و اینکه تراویح داشته باشد برای درج  
سوال شکایت را میگیریم دادگاه رئیس امور  
کار، بوده و هر مرد درج آن متن موده خواهد بود  
و افکن روزنامه می روشنیده و اینکه موافق  
اید روزنامه کوئستان خوب انتخابی نداشته  
اطهوار قیمه یکمل ملاک بسته هایه ماید

گله من از کردستان

بیوگرافی

چهارم و دو هزار اصلاح طلبی و تغیر نوادگی  
پنجم میکست که املا تها بیانگر هم برای  
لشونه با آنمه مکایبات مندرج که از این  
دارایی بهار و زیوس دیگری که امور دیگر را  
مردم است میتوانند در نظر نداشت دارای  
با ازدواج اتحاده سکر داده خود و گرما  
در تغیر این صفات و اراده بین روز و شب اعمال  
ظرفیتی جایی را میسر است

آخای دُنیا و آلان بانگکال مفت  
و آنست بادیده من کم ۱۰ دو زمانه، لو هشتان  
شنا باین ملت خوب ام، همانی نهاد و هووز و  
نهاد از عسر آن سکونت شد، محو هد الم آن  
دوست و موشه راهه، راهه خود را با لایل  
پیش گذشت از است بددهد و در دریافت اثر  
مطلوب هایی که بینظور های هفتم روی  
کار آسماندان فرار گردید آری احتمل هم  
داد و ذیر امروز «هر گئی راه هوسی و سرو  
کاری خویش».

هر چند در خانه ای بدان این نقله  
هر آداج خواهد گرفت و باید گرفت و زید  
و ظیفه و همان شود و اجازه داده اید و گرمه  
آن - مکور نهانی و سرایش است دا از من  
در دفتر وزیرانه خود بیان کار داشته  
پاشه.

مسند ج ۲۴۵-۲۴۶  
 آنای شیخ لاسلام مرزا امیر کاراکر  
 چه شبانی منصل بود، از دوستون کوچک تهم  
 پیغام بر سود درج گردید در صورتیکه سرکار  
 که خواست را پایانه باشول میداده خوب بود  
 یا بنده کرات باک دستور فرمیده از سال  
 از دوستون کوچک تجارت نکند» توجهی  
 میفرمودید اذ این مقدمه بیگندریم و مکن  
 میکنیم که احتمالات شما همان احیان را  
 که بوده بود

صفحات نامه  
کوهستان برای درج  
شکایات شما باز  
است \*

از مشترکین کیم که تا  
بعد وصول آبرسان را  
پرداخت اند تماشا می شود  
هرچه زودتر آنرا ارسال  
دارند .

مشترکین شهرستانها  
می توانند وجهه اشرک را  
توسط نایندگان ما ارسال  
دانند و یا متن پیابرستند

اشعار و آثار ادبی  
کردی را که می فرماید  
حتی القدور خوانا  
باشد که بدون غلط  
چاپ شود

آذربایجان آقی قبض اشیی کیم، بدها آقی قبض آ-ییک  
از طرف شوونسایر افراد فاعلین قبض همیگی کیم

اشتار نامه کوهستان اطهار مصروف شووندان  
از بیوی کات  
آقای ابوبکر الجھانی زاده نجت  
عنوان : « تهییت بر نامه کوهستان »  
مینویسد :

از بار اسال قممه استشار آن بکروز نامه  
که با ائمه و برادر خود نهاده اند، مناطق کرده  
شین و روش تایید و مراجعت کردند، از همان  
طبق اند از این بود و احمد افراد کرد باید  
صریع و تهییل انتشار استشار آنرا داشته  
نامه کوهستان پایه راغ هدایت و یا  
ناصع و راهنمایی جایی کرد، بشاهر امساعد  
شام سر زمین کیم دشین را مانند دوز  
روشن نو و درجه همچنانی را که در از اتاره  
و پر اند که در معمل و نیور شده بودند  
از نو پیا به بیشتر داشتند که کوهستان داده  
در هیارات و مطالع شیرین خسته نیستند  
روزانه، کوهستان درخت سیا، بزرگ  
پربرگی است که خشنه شدنگان گرمای  
تابستان به بخشی را پنهان می بندد و پنهان  
خنگی است که نیزگان راه مدت را از آب  
گوارا ایش سر ایمیکنند و بکاره اند  
نور است که پر اغیچه کیم بخش دایکر دستان  
کشیده است و هر برگ آن مانند گرفته  
است که برای سادت و خوشبختی کرده اند  
پائی آمدند است .

یکم افغانی که شامل و محتوی تمام  
توضیحات بالا باشد بطور واجب و غرض  
نیست که فرد کرد برای تندیم عرض  
تندیم شو استاریم که کار کنن نامه کوهستان  
برهنه بسیار و بیشتر دشمن آن را بازی  
باشد که نشانه و خوشبختی کرده اند .

## نامه ها و نلگران وارد

## از سند

آن مقدم حمامی می نویسد :  
طلاع آن جریده شریه را که در  
واقع برای از اراده های ذوب کنند چنین  
بیشتران روانی حنون و معرف خدمتگاه از پیش  
جامه کرد بدوات می باشد از صیم قاب  
تریک گاه آن را تو اغاخوا استارم آن  
که با ائمه و برادر خان کردند بیشتر بوده از  
نوای و مسادات خود کارهای معمون باشد .

## از توپسر کان

آقای نصرت الله اردلان می نویسد

اشتار نامه سودمند و مین کوهستان باعث  
نهایت سرت گردیده ایشان را که  
داست گفتاریش در این چند شاهزاده بقوی  
هوای است عالم نیمات سودمند و بر بیانی  
برای این کشور آشته شده دیگر —  
تو پسند کان محترم را سرمه های کوئی  
و معلم رستم هایت نموده راه و رسم از  
دست فدا کان دیگر بات متدیده این  
سازمان می آموده

## از بیهار

آذی سید احمد حسین بتجهی می  
تلکرافی مخابره شوده می نویسد :  
تیریکات می بسیاره خود را اشتار  
آن راه کرامی که باعث انتشار این می باشد  
این سازمان می باشد پدین و سیاه هرش می باشد

## از سفهه راج

آقای هلال الدین مادنی مینویسد  
ملوون کوکب درختان نامه هنگی —  
کوهستان در این مطبوعات ایران باعث  
خواهی و مدرست همود گردید از آن  
متال شو استاریم که کار کنن نامه کوهستان  
را در انجام مین خدمت ملی موقن بدارد .

مردی که شام کلولاند را گرفت، بود بس از اینکه تمام جواه ای  
وا که زیست خود قرار داده بوده بدنزین وضع برداشت او را رها  
گرد . هراس از خدیبی لر زد و شایی جراحته مادرش را بر سر ای  
تفکه دارد نداشت . زاگور برازون شد، شاوند را بیاری می طلبیه .  
غلله مدد های شوس و خنده قطع شد هم ساکت گشته .  
شاخ و برگ درختان چنگل بحر کت در آمد و از آن میان مردی ظاهر  
شد .

شام کلولاند لحظه ای امیدوار گشت ولی انسوس این راهز نی  
بیش نبود . این شخص بین ایسی مانند سایر دزدان در بر داشت زیبیری  
از طلا بروزی کش دیده می شد آزیزی هم از همین قلن بروزیان گشته آزیزیه .  
بود سورش زریش و سینی بوشیده شده و ایران بیرون شش کیمیکی  
انسال داشت نظره بی هوا ایکی باو یعنیه بود .

هراس بزودی رزیات که بین شهن همان ماقعه خواهی داشت .  
شام کلولاند هم آنرا حس زد بود و در حالی که زیانت از شدت نرس  
به لکت درآمد و بدبانی انسان را گذاشت و وعده پادان خرب در  
مقابله رها کردنشان میداد .

اما ماقعه پامدی آمر ای جواب داد :  
— ما شارا برای بول دستگیر گردیده ایم، شما بزودی خواهید  
داشت ما از شما چه میخواهیم . سیس رو بیکی هم داشت شکرده گات  
— آن بیکو ببل هوز پامده ایست : (بل همان دلائل است که به)  
سب مددی خویش این ایس را باو داده ایم .

مرد هوانی برای جواب داشت هاو آمده .  
هراس و مادوش نگاه تبع آمیزی رد و بدل گردند ایشدا

ବ୍ୟାକ

از صدای

دک جو اب بروز نامہ کیوں ان

در دو شا م‌گذته از نظر کنایات مدنی اورثه  
و تو استم جزویتی برداخته جواب روز نامه کیوان را  
در مواد خود انتقال کرده بهم لاملاً تساوت زانعه دارد  
که صالح برای رسیدگی و تحقیق اینست و همان یافت و اگذار  
کر دیدم.

چون مقالات متعددی در جواب روزنامه کووان  
پدیده نموده کووهستان و سیده نیزه ایم آهارا نادینه  
پندتازم برازی توبه تمشی از یکی از مالات وارد شد و  
این شخص را که علم آخی هاشم بنیزاده نگارش  
یافته دیلداد حجتی کنیه.

ست اول مقاله که از ۳-تون هم باز مری نود  
وحله منایم نکارند به تصریح آنای انصاری و عنايد  
ایشان بود درج شد قصته که ذلیل درج میگردد هست  
آخر مقاله و تنو ای از احتمالات اکبر اراد ایرانی  
میباشد:

۴۰۰۰ من پس کرد برای حفظ این خاک که مهدی سایکان است  
جهان بیک دارم و همان شیر تیان بیکر عربان خود را هدف گذاشت  
دشمن قرار بدیده و از زادگاه در بزم بگاهداری میکنم زیر ایران از آن کرد  
و گردآذ آن ایران است و سلطنت ایران را از آن خود عدا نمایم خلیلنا  
و است گفته اند بزرگی بعاق است به سال والای بخیر مثار شاش آقای مدیر  
محترم وزیر نامه کیوان که وظیله گزاری بخوش دارد نسبایستی سپس  
این که بیکنسر کر ادعا کرد و خواست از بوقت اجتماعی و مردمی ملی  
برخورد دارد گردد شما سورمه ک ایام گشته اتفاقاً نماید و مفترض نه خود  
شده آنرا برای افراد کوتاه تکلیف در آورید خواهتمند مقابلات و معداً  
شارهای اول و ششم هنچه ۱ و ۶ وزیر نمایه کوhestan را کی قیان خالد  
اگر از ایران است بیان معنایه گزند تا شفایل « ماعل است اهلی گرد  
از یا کترین نزد مادریم برای هرزو بوم خود از همیگو و جانیاری در بیع  
نه از زمین و یکتارها و نزد های متریم و هوجوچه ای فدرد و میهن فروش  
گوشزاده و تا جان داریم، رعنی مانی است برای حضناءوس و استدلل  
ایران و گرفتن - وی اچ- اعی دستدهه از میانی ملی خرد میه و تیم  
مازدهان نه ک با ایمه در گستره مقدس ایران نامناید جان - هاریم  
و بعدهن فدا کاری بنتطعم ساری اندست هر چشم و یک سکن نایابی  
را بدورت بیانی در آمدند از تود و سار برادران رفع و کوئه  
نایابم :

آری پس کرد و سوچ حیات شر انتهای دارد . هر کجا انتقام را بگیرد که بر تک خدا در ترجیح میدهد . از همت و خام بیجای دیگران نه گزیر نام و نه شاهه خالی میشوند و دست بر مدارم زیرا در دوره بیست ساله دینه ناشودی پیری شده مشروطیت و آزادی معنی حیاتی است . بعواد کرن است تا بحال هر کجا دیگر خواسته از همه از همین دیگران و حق احتمالی دارد .

تگ باد بر شاکه آزادی فکار و قم را آلت ننان و اندھلای  
ملت ایران ترازداهه و کلمات کرد و عجم را برع این ملت ستدیده کنیده  
از این راه بنام دلسوژی نیشه بریث افراد ایرانی بزیند ه  
مهباد - هاشم خلیلزاده